

فناوری

وقتی که با تکان دادن چوب جادویی و گفتن کلمه 'اکیو' ^۱ می‌توانید هر کتاب، وسیله یا حیوانی را به سمت خود فراخوانی کنید؛ وقتی که با استفاده از جغد، سپر مدافع ^۲، نامه عربده کش ^۳، اشیای جادو شده مثل سکه یا با غیب و ظاهر شدن جهت دیدار با کسی، می‌توانید با هر دوست یا آشنایی ارتباط برقرار کنید؛ وقتی روزنامه‌تان تصاویر متحرک دارد و اشیایی که روزانه با آن سروکار دارید گاهی اوقات با شما صحبت می‌کنند، آن وقت است که اینترنت آنچنان فضای هیجان انگیز و خاصی به نظر نمی‌رسد. البته این بدین معنی نیست که هرگز نمی‌توان جادوگر یا ساحره‌ای را پیدا کرد که وب گردی می‌کند؛ آن‌ها فقط برای ارضا کردن حس کنجکاوی خود یا انجام تحقیقاتی در زمینه علوم مشنگی در اینترنت گشت و گذار می‌کنند.

بعضی از اعضای جامعه جادوگری با آنکه نیازی به وسایل خانگی دنیای ما مانند ماشین ظرف شویی یا جاروبرقی ندارند، تلویزیون مشنگ‌ها را سرگرم کننده می‌دانند، و تعدادی از جادوگران مشتاق تر، حتی پا را فراتر از این گذاشته و در اوایل دهه هشتاد میلادی، قصد افتتاح سازمان رسانه‌ای جادوگری بریتانیا را به امید داشتن شبکه تلویزیونی مخصوص خود، داشتند. این طرح در همان اوایل به دنبال مخالفت وزارت سحر و جادو به دلیل عدم پشتیبانی از رسانه‌ای شدن پدیده‌های دنیای جادویی در وسیله‌ای مشنگی، با شکست روبرو شد. زیرا این طرح می‌توانست (یا حداقل این طور احساس می‌شد) که باعث تخطی جدی از قوانین رازداری بین‌المللی جادوگری شود.

بعضی افراد با دلیل و مدرک این طور ادعا کردند که این تصمیم غیر منصفانه و متناقض است، آن هم به این دلیل که خیلی از ایستگاه‌های رادیویی به صورت قانونی توسط جامعه جادوگری برای استفاده شخصی دست‌کاری شدند که برنامه‌های معمولی جادوگری را پخش می‌کنند. وزارتخانه هم اعتراف می‌کند که این کار باعث می‌شود مشنگ‌ها اطلاعاتی اضافه پیدا کنند مثلاً چگونگی هرس کردن گیاه سمی یا بهترین روش از بین بردن جن خاکی؛ اما به نظر وزارتخانه، جمعیت شنوندگان رادیویی مشنگ‌ها به نظر می‌رسد که همگی باورپذیرتر، ساده‌تر یا اعتماد به نفس کمتری نسبت به بینندگان تلویزیونی مشنگ‌ها دارند. دلایل این نابهنجاری به صورت مفصل توسط پروفیسور 'موردیکس آگ' ^۴ در فلسفه دنیوی به نام 'چرا مشنگ‌ها ترجیح می‌دهند ندانند' ^۵ مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. بنا بر نظریه پروفیسور آگ، مشنگ‌ها در مواجهه با چنین شرایطی تمایل بیشتری به باور این نکته دارند که خودشان چیزی را اشتباه شنیده‌اند تا اینکه پدیده‌ای خیالی را باور کنند.

جادوگران دلیل دیگری هم برای اجتناب از وسایل مشنگی دارند و آن هم مسائل فرهنگی است. جامعه جادویی به خاطر این حقیقت که نیازی به اکثر وسایلی که مشنگ‌ها ساخته‌اند ندارند (با قبول اینکه این وسایل مبتکرانه‌اند) تا آن‌ها را قادر به انجام کارهایی بکنند که به سادگی با جادو انجام می‌شود، به خود افتخار می‌کنند. اینکه خانه کسی به وسایلی مثل خشک کن و تلفن مجهز باشد، عملاً به این معنی است که جادو را بی کفایت و ناکافی می‌داند.

^۱ Accio
^۲ Patronus
^۳ Howler
^۴ Mordicus Egg
^۵ Why the Muggles Prefer Not to Know

یک استثنای بزرگ در بیزاری عمومی جادوگران نسبت به فناوری مشنگ‌ها وجود دارد و آن هم اتومبیل (و در محدوده‌ای کوچک‌تر موتورسیکلت و قطار) است. قبل از اینکه اساس‌نامه بین‌المللی رازداری نوشته شود، جادوگران و مشنگ‌ها جهت حمل و نقل روزانه از وسایل مشابه استفاده می‌کردند: از جمله کالسکه اسب و کشتی بادبانی. زمانی که اسب سواری با کالسکه دیگر مرسوم نبود، جامعه جادوگری مجبور به ترک استفاده از آن شد. انکار این نکته که جادوگران در مواجهه با سرعت و راحتی اتومبیل‌هایی که در قرن بیستم وارد جاده‌ها شدند، به دیده‌ی حسرت نگاه می‌کردند، بی‌فایده است. و بالاخره حتی وزارت سحر و جادو ناوگانی از خودروها را خریداری کرد و با دست‌کاری کردن آن‌ها با یک سری طلسم‌های مفید، لذت استفاده از آن‌ها را دوچندان کرد. علاقه‌ی بسیاری از جادوگران به اتومبیل، به مثابه شور و شوق کودکان بود و مواردی از خانواده‌های اصیل جادوگری دیده شده که ادعا می‌کردند هرگز به محصولات مشنگی دست هم نزدند اما ماشین رولز رویس پرنده در گاراژ خانه‌شان دیده شده است. البته مخالفان سفت و سخت مشنگی، از هرگونه استفاده از حمل و نقل موتوری خودداری کرده‌اند؛ به عنوان مثال عشق استفاده از موتورسیکلت توسط سیروس بلک، همیشه خشم خانواده محافظه کار او را به دنبال داشته است.

ارائه‌ای از وب سایت دمنتور

www.dementor.ir

امید کرات